

رشد استبداد زده

سرمایه داری

در ایران شاهنشاهی

ف. م. جوانشیر

فصل هشتم – انباشت سرمایه

فابریک سرمایه سازی

در کنار دستگاه قهر پرولترسازی، فابریک دولتی سرمایه دار سازی نیز مشغول به کار است تا عده انگشت شماری بتوانند از طرق گوناگون خارج از روند عادی بهره کشی سرمایه داری – مبالغ کلانی در دست خود متمرکز کرده و آن را به صورت سرمایه به کار اندازند. این روند چنان که در صفحات پیش گفته شده سال هاست که جریان دارد، ولی در رابطه با اصلاحات ارضی و به ویژه پس از افزایش سریع درآمد نفت به طور جهشی پیش می رود.

امپریالیسم جهانی و ارتقای داخلی می کوشند برای مقابله با راه رشد سوسیالیستی به سرعت مشتی سرمایه دار بسازند. عده ای یک شبه میلیونر و میلیاردر می شوند. پول هایی به چنگ می آورند که در گذشته نزدیک به خواب هم نمی دیدند. سرچشممه همه این ثروت های بادآور مشکوک است. دزدی، دغلی، بورس بازی با زمین و انواع کارهای کثیف عادی تلقی می شود.

نخستین گام در راه ایجاد انباشت اجباری و تحويل آن به مشتی سرمایه دار در آستانه اصلاحات ارضی تدوین و تصویب قانون تجدید اریابی پشتونه اسکناس بود. جواهرات سلطنتی و پشتونه اسکناس به موجب این قانون در سال ۱۳۳۷ از نو و گران تر از سابق قیمت گذاری شد. دولت توانست از این بابت ۷ میلیارد ریال اسکناس اضافی – در واقع بدون پشتونه چاپ و منتشر کرده به صندوق سرمایه داران منقول نماید.

بر اثر انتشار اسکناس بدون پشتونه بهای کالاهای مصرفی مردم به شدت بالا رفت و این بدان معناست که دولت با یک حقه بازی اقتصادی مبلغ ۷ میلیارد ریال از گلوی مردم فقیر ایران بیرون کشیده و به گروه کوچک پیرامونیان دربار پرداخت تا به صورت سرمایه به کار اندازند.

این قانون نمونه ای است از تلاش برای ایجاد سرمایه داران نو کیسه ای که نخستین سرمایه خود را از جای دیگری غیر از انباشت اضافه ارزش سرمایه داری به دست می آورند.

این قانون در عین حال از محدودیت امکانات آن روز دولت ایران حکایت می کند که نمی توانست مبالغ قابل ملاحظه ای برای واگذاری به سرمایه داران نو کیسه گرد آورد. در سال های پس از رفرم ارضی دست دولت برای سرمایه دار سازی بازتر شد. زیرا در این سال ها بر اثر مبارزات کشورهای نفت خیر بر درآمد آن ها از نفت افزوده گشت و دولت ایران نیز علاوه بر آن بر تولید و صدور هر چه بیشتر نفت از جانب کنسرسیوم تکیه کرد. درآمد دولت افزایش یافت و برای انتقال آن به سرمایه داران راه حل هایی پدید آمد. از جمله اراضی ملاکین را که به دهقانان منتقل کردن بیش از ۲۰ میلیارد ریالی ارزیابی کرده از کیسه دهقانان و با کمک صندوق دولتی به آن ها پرداختند تا بخشی از آن را به صورت سرمایه به کار اندازند.

یکی از دست اندرکاران اصلاحات ارضی هنگام ارزیابی نتایج آن می گوید:

"یکی از نتایج اصلاحات ارضی تبدیل مالک به سرمایه دار صنعتی است^(۱)".
اما این پول ها که در زمان خود و به مقیاس ایران عظیم است، هنوز درد سرمایه دار نو خاسته و "درندگان انباشت بدی سرمایه" را دوا نمی کرد.

افزایش تولید نفت و سپس بالا رفتن قیمت آن سرچشم بزرگ انباشت بدی شد.
دستگاه دولتی به اهرمی مبدل گشت که درآمد نفت را دریافت کرده و به انواع و اشکال میان سرمایه داران خارجی و داخلی تقسیم کند.

موضوع سرمایه داران خارجی و فعالیت آن ها در ایران در صفحات بعد در جای خود بررسی خواهد شد. اما آنچه مربوط به سرمایه داران داخلی و بویژه نوکیسه هایی است که از هیچ به میلیاردها رسیده اند، به بحث کنونی مربوط می شود. کanal هایی که بخش بزرگی از پول نفت را به صندوق گروه محدودی می ریزند، آنقدر فراوان است که مشکل بتوان تمام آن ها را بر شمرد. به چند مورد اشاره می کنیم. آشکارترین این کanal ها انتقال پی برده پول نفت که مال عمومی مردم است – به سرمایه داران است که به صورت کمک بلاعوض و گاه وام بی بهره و یا کم بهره انجام می شود. مبلغی که تنها در برنامه پنجم برای این منظور درنظر گرفته شد ۲۳۰ میلیارد ریال است. رئیس سازمان برنامه با خوش خدمتی تمام خطاب به سرمایه داران بزرگ می گوید:

"ما در برنامه پنجم در حدود ۲۳۰ میلیارد ریال از منابع دولت را به بخش خصوصی منتقل می کنیم^(۱)".

بانک اعتبارات صنعتی نیز که بانک دولتی است به نوبه خود ۱۳۲ میلیارد ریال برای صنایع بخش خصوصی اعتبار می دهد^(۲) و بانک ها و موسسات دولتی دیگر به دنبال آن می آیند.

دو نکته را یادآوری می کنیم. یکی اینکه اصطلاح "بخش خصوصی" در قاموس اقتصادی امروز ایران نام مستعار سرمایه داری بزرگ است و الا سرمایه های کوچک چنان که در صفحات پیش گفته حق حیات محدودی دارند و همواره شرط انتقال پول دولت به جیب سرمایه دار، بزرگ بودن این جیب است.

نکته دوم، بزرگی رقم های انتقالی از منابع دولت (پول مردم) به صندوق سرمایه های بزرگ است برای مقایسه یادآوری می کنیم که جمع کل هزینه برنامه اول ۲۱ میلیارد ریال، جمع کل هزینه برنامه دوم ۸۴ میلیارد ریال بود.
در چنین کشوری، از برنامه پنجم یک باره ۲۳۰ میلیارد ریال به بخش خصوصی منتقل می شود!

کanal دیگر انتقال پول دولتی به صندوق سرمایه داران بزرگ بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران است که بزرگ ترین سرمایه داران داخلی و خارجی سهام دار آنند.
هر سال مبلغ بزرگی از درآمد دولت به عنوانین مختلف به این بانک واگذار می شود که از آن راه بین سرمایه داران تقسیم شود. در سال ۱۳۵۳ به دستور شاه فقط یک قلم، ۶۰۰ میلیون دلار، معادل ۴۵ میلیارد ریال از درآمد نفت به این بانک داده شد^(۱) که بین بزرگ ترین سرمایه داران تقسیم گردید.

نمونه های انتقال پی برده اموال دولتی به سرمایه داران را هر روز می توان در روزنامه ها دید.

(۱) نشریه پنجمین کنفرانس اطاقهای بازارگانی . ص ۲۱۲
(۲) سخنرانی دکتر جیبدی، رئیس سازمان برنامه در اطاق بازارگانی و صنایع و معادن ایران. نقل از کیهان. ۲۲ مرداد ۱۳۵۳ (۱۳ اکتبر ۱۹۷۴)

(۱) آیندگان ۳۱ مرداد ۱۳۵۳
(۲) اطلاعات ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۳

- "دولت تا ۹۰ درصد ارزش کارخانه های مصالح ساختمانی به آن ها وام می دهد"^(۲).
- "دولت به سرمایه دارانی که خود ۱۵ درصد در کشاورزی سرمایه تامین کند، ۸۵ درصد بقیه را بلاعوض می پردازد. حداقل مساحت زراعتی نباید کمتر از ۲۰ هکتار باشد"^(۳).

وغیره و غیره در تمام موارد شرط دریافت وام و کمک بلاعوض ایجاد موسسه بزرگ است. کلمه وام که در این گونه موارد به کار می برند برای تسکین افکار عمومی است و گرنه این وام ها را با چنان بهره کم واگذار می کنند که با توجه به کاهش سالانه ارزش پول عملابه بهره ای به آن ها تعلق نمی گیرد و در غالب اوقات این مبالغ رسمایه می شوند.

یکی دیگر از کانال های بزرگ انتقال درآمد عمومی به کیسه خصوصی سرمایه داران نو خاسته، سرمایه گذاری های عظیم دولت در زیر سازی اقتصادی است که استفاده از آن مجانا به سرمایه داران بزرگ واگذار می شود. دولت از بودجه عمومی تامین آب، برق، راه، بندر، کانال کشی و انواع هزینه های کلان دیگر را پرداخت می کند و سپس تاسیسات ایجاد شده را به رایگان و یا تقریبا رایگان در اختیار سرمایه داران می گذارد. و این بدان معناست که دولت بخش بزرگی از سرمایه ثابت را مجانا به عهده می گیرد و به سرمایه دار امکان می دهد که با سرمایه کم، سودکلان بست آورد.

انتقال موسسات سود آور دولتی نیز از وسائل مهم سرمایه دار سازی است. دولت از بودجه عمومی موسسه ای را که ایجاد آن مستلزم سرمایه گذاری سنگینی است می سازد و هزینه های آن را می پردازد و ضرر های نخستین سال های فعالیت را تقبل می کند و آن گاه که سود آور شد، به سرمایه داران نو خاسته تقدیم می کند. دولت چنان تخفیف هایی قائل می شود که لاقل در موارد معینی که خریدار از نزدیکان حکومت باشد - معامله به رایگان انجام گیرد.

در کنار این نوع انتقال های مستقیم پول نفت و درآمد ملی به سرمایه داران نو کیسه انواع راه های غیر مستقیم نیز وجود دارد که مهمترین آن ها عبارت است از معافیت های مالیاتی، حمایت های گمرکی، و نظایر آن.

و تازه این ها کمک های رسمی و قانونی دولت به سرمایه داران نو کیسه است. در دستگاه دولتی فاسد کنونی هزاران راه غیرقانونی نیز وجود دارد. دزدی، رشوه خواری، معاملات کثیف با انحصارات خارجی، حساب سازی و کلاهبرداری - از کارهای کاملا عادی مقامات عالی دولتی ایران است. بسیاری از این مقامات از همین طرق نامشروع چنان ثروت های کلانی اندوخته اند که تا چند سال پیش در تصور نمی گنجید. اخبار دزدی ها و حساب سازی هایی که به صفحات روزنامه ها می رسد، شامل ارقام چند صد میلیون دلاری است. روزنامه های خارجی نیز رقم های درشت تری را چاپ می کنند. آنچه مسلم است این است که سال هاست در ایران اصل مناقصه و مزایده در معاملات دولتی از میان رفته. مقامات دولتی با هر کس که دلشان بخواهد و با هر قیمتی که میلشان باشد، معامله می کنند. بودجه ارتش که سالانه رقم ده میلیارد دلاری است عملا از هرگونه کنترل دیوان محاسبات خارج است. بودجه های سایر سازمان ها نیز اگر چه ظاهرا مشمول حسابرس است، عملا فقط در حدود "تقسیم منافع" میان مقامات عالی مورد رسیدگی قرار می گیرد.

از این سرچشمه هاست که خرپول های نو کیسه و به ویژه بورژواهای بوروکراتیک ایران در "بزرگراه تمدن بزرگ" یک شبه ره صد ساله می روند، در مصرف بی بند و بار افسانه ها می سازند و برای "انتخاب ریباترین گربه" در گران ترین هتل ها شب نشینی برپا می کنند، با این حال هر ساله بر ثروت خویش ده ها برابر می افزایند.

(۲) آیندگان ۱۱ مهرماه ۱۳۵۳

(۳) آیندگان ۱۸ مرداد ۱۳۵۴

مارکس فصل مربوط به "انباشت بدی سرمایه" را در جلد اول کاپیتال با این جمله به پایان می آورد:
"سرمایه در جائی متولد می شود که از سر تا پا و از تمام مساماتش خون و گند بیرون می زند"^(۱)

ما هم اکنون این واقعیت دردناک را در کشورمان به چشم می بینیم، مشتی درند که به هیچ اصل اخلاقی و به هیچ قانون و عرفی، جز غارتگری، دزدی و پشت هم اندازی معتقد نیستند - اموال عمومی را غارت می کنند، مالکیت وسیع ترین فشرهای تولید کنندگان کوچک را از میان می برند، با یک گردش قلم ۲۳۰ میلیارد ریال از درآمد مردم را به بزرگترین سرمایه داران می بخشد، ولی دهقان سلب مالکیت شده و گرسنه را دستگیر کرده به اردوگاه کار می فرستند و کارگری را که با پنج سر عائله دستمزد ده، پانزده تومنی دارد و اضافه دستمزد می خواهد به گلوله می بندند.

تроверفاشیستی حاکم بر کشور ما علاوه بر همه وظایف دیگر اجتماعی سیاسی که در جهت خدمت به امپریالیسم و سرمایه های بزرگ به عهده دارد، نقش بسیار موثری در این روند دردناک انباشت بدی سرمایه و دو قطبی کردن جامعه ایفا می کند. این ترور از مهمترین بخش های فابریک پرولترسازی و سرمایه دار سازی است.

برنامه حزب توده ایران با توجه به این روند دردناک و غیرانسانی است که راه رشد سرمایه داری را طرد کرده و سمت گیری سوسیالیستی را پیشنهاد می کند. طرد راه رشد سرمایه داری و پذیرش سمت گیری سوسیالیستی قبل از همه بدین معناست که فابریک پرولترسازی و سرمایه دارسازی که در کشور ما با چنین قدرت و سرعتی کار می کند تعطیل شود. مالکیت دهقانان و تولیدکنندگان کوچک و متوسط شهر و ده محترم شمرده شود و هم چنین مالکیت عمومی به طریق اولی محترم و دست نخورده بماند. مال مردم به یک مشت بورژوای نو خاسته منتقل نشود.

طرد راه رشد سرمایه داری و سمت گیری سوسیالیستی همچنین بدین معناست که درآمد عمومی به نام عموم مردم و به سود عموم مردم ایران به کار افتد، در رشته هایی که به سود مردم است سرمایه گذاری شود و درآمد حاصله از آن نیز صرف رفاه عمومی شده و بخش قابل پس انداز آن در مالکیت عمومی بماند.

"موسسات وابسته به انحصارها و دولت های امپریالیستی، بانک ها و موسسات بیمه ملی شود، اموال خاندان پهلوی و سایر خاندانی به خلق و میهن مصادره گردد"^(۱).

روشن است که حزب توده ایران مخالف تکامل و مخالف ایجاد موسسات عظیم صنعتی و کشاورزی نیست. ما بهتر از هر کس می دانیم که لازمه تکامل، ایجاد تولید بزرگ صنعتی است. حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی ایران است که ضرورت ایجاد تولید بزرگ و طبق برنامه و ضرورت صنعتی کردن کشور را به مقیاس وسیع از نخستین روز تاسیس خویش مطرح کرده و از آن دفاع کرده است. اما چرخ تکامل تاریخ نباید از روی اجساد میلیون ها انسان زحمتکش بگذرد. در شرایط امروز جهان می توان با طرد راه رشد سرمایه داری از تعمیق دو قطبی شدن هر چه بیشتر جامعه، از سلب مالکیت از توده ها و تمرکز ثروت در دست عده ای محدود جلوگیری کرد و با سمت گیری سوسیالیستی به همراه مردم زحمتکش و نه علیه آن ها به سوی ایجاد صنعت و کشاورزی بزرگ و امروزین رفت. این برنامه و فقط این برنامه جوابگوی نیازمندی های جامعه ماست. اکثریت قاطع توده های مردم، از طبقه کارگر گرفته تا تولید کنندگان کوچک و متوسط شهر و ده و حتی بخشی از

(۱) مارکس. جلد اول کاپیتال. ص ۶۷۹. تکیه از ماست

(۱) برنامه حزب توده ایران، از انتشارات حزب توده ایران. آذرماه

سرمایه های کوچک و متوسط در اجرای آن ذینفعند. برای اتحاد این طبقات و قشرها در انجام تحول بنیادی و سمت گیری سوسیالیستی جامعه محمل های عینی اقتصادی وجود دارد.

۶- گرایش تاریخی انباشت سرمایه داری

انباشت بدوی سرمایه، چنان که دیدیم جز سلب مالکیت از تولیدکنندگان کوچک، یعنی از میان بردن مالکیت خصوصی مبتنی بر کار شخصی معنای دیگری ندارد. سرمایه دار نو خاسته با تکیه بر اعمال قهر دولتی، جامعه را به دو قطب تقسیم می کند: اکثریت قاطع را به صفوف پرولتاریا می راند و خود مالکیت خصوصی نوع جدید یعنی مالکیت خصوصی سرمایه داری به وجود می آورد. مالکیت خصوصی دهقان و پیشه ور که متکی بر استثمار کار غیر است به جای آن می نشیند. هنگامی که این روند، روند انباشت بدوی به قدر کافی ژرفای و پهناز جامعه کهن را فراگرفت، هنگامی که جامعه به دو قطب پرولتر و سرمایه دار تقسیم شد و شیوه تولید سرمایه داری به روی پای خود ایستاد، اجتماعی شدن باز هم بیشتر وسایل تولید که طبعاً مستلزم سلب مالکیت از بخشی از صاحبان وسایل تولید است شکل جدیدی به خود می گیرد. سرمایه داران بزرگ تر به سلب مالکیت از سرمایه داران کوچک تر می پردازند. این امر از طریق عملکرد قوانین تکامل شیوه تولید سرمایه داری انجام می گیرد که ما در صفحات پیش، ضمن بررسی روند گردایی و تمرکز سرمایه، از آن ها یاد کردیم. بنابر این، با تکامل شیوه تولید سرمایه داری روند دوگانه ای جریان می یابد. از یک سو جنبه اجتماعی تولید روز به روز بیشتر می شود، تعداد روز افزونی از انسان ها در امر تولید همکاری می کند و به هم پیوستگی ملت ها در شبکه بازار جهانی تشدید می شود، و از سوی دیگر مالکیت وسایل تولید که این توده وسیع به کار می گیرند در دست های محدودتری تمرکز می یابد. حجم فقر، فشار و رقیت و بهره کشی از انسان ها افزایش می یابد. تملک و تصاحب سرمایه داری که خصوصی و در دست های محدودی متمرکز است. با خصلت اجتماعی تولید که گسترش می یابد در تضاد می افتد. این تضاد، تضاد اصلی جامعه سرمایه داری است.

تضاد اصلی جامعه سرمایه داری بیانگر عدم تطابق مناسبات تولیدی با رشد نیروهای مولده است. سرمایه داری پس از آن که نیروی عظیمی ایجاد کرد و به تولید خصلت وسیع اجتماعی داد، دیگر قادر نیست این نیروی مولده عظیم را در پوسته تنگ مالکیت و تملک سرمایه داری حفظ کند. این پوسته می ترکد. مالکیت خصوصی سرمایه داری که خود از راه سلب مالکیت از تولیدکنندگان کوچک و سپس سلب مالکیت از سرمایه داران کوچک تر و بهره کشی از طبقه کارگر پیدی آمده از میان می رود تا جای خود را به مالکیت اجتماعی سوسیالیستی بدهد که با خصلت اجتماعی تولید مطابقت دارد. بگذار آقایان سرمایه داران از این سلب مالکیت و اجتماعی شدن مالکیت بیش از حد فغان بر نیاورند. خود آنان از طریق سلب مالکیت از میلیون ها انسان شالوده تولید سرمایه داری را ریخته اند.

لغو مالکیت خصوصی سرمایه داری و استقرار مالکیت سوسیالیستی یک ضرورت عینی است. ولی برای اینکه از قوه به فعل آید باید طبقه کارگر بطور مشکل و آگاه علیه سرمایه داری برخیزد و از راه انقلاب سوسیالیستی حاکمیت سرمایه راسرنگون ساخته و حاکمیت پرولتاریا را برقرار نماید.

"هم روند با رشد صنایع بزرگ بنیادی که بورژوازی با تکیه بر آن محصول تولید می کند و آن را به تصاحب خود در می آورد، زیرپایش فرو می ریزد.

بورژوازی بیش از هر چیز گورکنان خود را به وجود می آورد. سقوط بورژوازی و پیروزی پرولتاریا به یکسان ناگزیر است^(۱). وقتی پرولتاریا در جریان پیکار علیه بورژوازی الزاما به صورت یک طبقه متند می گردد و از طریق انقلاب خود را به طبقه فرمانروای مبدل می سازد و در مقام طبقه فرمانروای مناسبات تولیدی کهنه را با توسل به قهر از میان می برد، همراه با برانداختن این مناسبات تولیدی، عوامل وجود تضاد طبقاتی و به طور کلی طبقات و بدینسان فرمانروایی خویش را نیز در نقش یک طبقه از میان می برد.

"به جای جامعه کهنه و بورژوازی با طبقات و تضادهای طبقاتیش انجمن یکپارچه ای از انسان ها پیدید می آید که در آن رشد آزاد هر انسان شرط رشد آزاد همگان است^(۲)".

راه توده ۲۰۳، ۱۱، ۲۰۰۸

(۱) مانیفست حزب کمونیست. از انتشارات حزب توده ایران، سال ۱۳۵۴. ص ۸۵

(۲) همانجا. ص ۱۰۲